

پژوهشهای جغرافیائی - شماره ۴۴، بهار ۱۳۸۲
صص ۹۹-۱۱۰

فلات قاره ایران در خلیج فارس: چشم انداز ژئوپولیتیک انرژی

دکتر دره میرحیدر - استاد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران^(۱)
سهراب عسگری - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران
پذیرش مقاله: ۸۱/۱۰/۲

چکیده

منطقه خلیج فارس با دارا بودن حدود ۶۶ درصد نفت خام و بیش از ۳۵ درصد گاز طبیعی جهان به عنوان بزرگترین مخزن انرژی در دنیا طی سالهای آینده اهمیت جهانی خود را حفظ خواهد کرد. قسمتی از منابع انرژی نهفته در حوزه خلیج فارس در بستر دریا قرار گرفته که به علت عمق و پهنای کم، بستر خلیج فارس به صورت فلات قاره یکپارچه می باشد. تحدید مرزهای دریائی باعث تقسیم برخی از میادین نفت و گاز در مناطق فلات قاره گردیده است. ایران دارای بیشترین میادین مشترک در خلیج فارس می باشد. علیرغم تاریخ نسبتاً طولانی فعالیت شرکت نفت فلات قاره در بهره برداری از منابع نفتی خلیج فارس، به علت استخراج بیشتر نفت خام توسط کشورهای همسایه طی سالهای اخیر، در حال حاضر مهاجرت نفت از بخشهای ایرانی میادین مشترک در حال تبدیل شدن به یک مشکل اساسی می باشد. ضرورت حفظ منافع ملی از یک سو و احتمال کشف میادین و منابع جدید از سوی دیگر، لزوم تحدید حدود فلات قاره ایران در خلیج فارس با کشورهای عراق، کویت و امارات متحده عربی و تجدید نظر در برنامه ها و سیاستهای وزارت نفت و شرکت نفت فلات قاره را امری حتمی می نماید.

واژگان کلیدی: انرژی، فلات قاره، قلمرو دریائی، ژئوپولیتیک، خلیج فارس، میادین نفت و گاز، منافع ملی

مقدمه

بدون شک نفت این مایع حیاتی همانگونه که مؤثرترین ماده طبیعی در شکل گیری نقشه اقتصادی جهان و عامل مهم در شکل گیری نقشه سیاسی و استراتژیکی بوده، تا چند دهه آینده نیز عامل اصلی حیات اقتصادی صنایع در جهان خواهد بود و منطقه ژئوپولیتیک خلیج فارس با دارا بودن بیش از ۶۶٪ ذخایر نفت و بیش از ۳۵٪ ذخایر گاز به عنوان بزرگترین مخزن انرژی جهان طی ۲۵ سال آینده، نقش محوری در تداوم زندگی نوع بشر خواهد داشت. طبق برآوردهای صورت

* E-mail: dheidar@ut.ac.ir

گرفته، سهم خلیج فارس در تأمین نفت خام مصرفی دنیا از حدود ۳۱ درصد کنونی به حدود ۳۶ درصد در بیست سال آینده خواهد رسید^(۱). بنابراین اهمیت ژئوپولیتیکی خلیج فارس به علل موقع استراتژیکی و وجود منابع انرژی همچنان محفوظ مانده؛ و تا آینده قابل پیش بینی باقی خواهد ماند با این تفاوت که احتمالاً بازیگران آینده و شکل رقابت میان آنها جدید خواهد بود (میرحیدر، ۱۳۶۹، ص ۸۹). اهمیت موضوع زمانی بیشتر آشکار می شود که بدانیم بشر هنوز موفق به یافتن جایگزین مطمئن برای نفت که هم ارزان باشد و هم فراوان نشده است.

رشد تقاضا برای نفت از یک سو و فروکش کردن ذخایر موجود در مناطقی از جهان مانند دریای شمال و امریکای مرکزی از سوی دیگر، باعث خواهد شد تا کریدور جدید انرژی شکل بگیرد. رأس یا مبدأ این کریدور خلیج فارس خواهد بود. اهمیت مسیر انتقال انرژی تا حدی است که آنرا از اهمیت برابر با خود انرژی برخوردار می کند. یکی از اهداف فوری و مسلم قدرتهای بزرگ، دست اندازی بر منابع تولید و کنترل راههای حمل و نقل نفت می باشد (میرحیدر، ۱۳۶۶، ص ۸۱). به موازات شکل گیری کریدور انرژی، لوله های انتقال گاز منطقه هم بنا خواهند گردید که زیربنای این چشم انداز با توافق اولیه بین ایران و هند برای انتقال گاز ایران از طریق پاکستان به هند صورت گرفته است. کشور قطر هم طرحی این چنین را از طریق امارات متحده عربی به عمان و از عمان به پاکستان و هند پیگیری می نماید.

کشف منابع عظیم انرژی در بستر دریاها به ویژه در مناطق فلات قاره باعث جهت گیری سیاست کشورهای کرانه ای به سمت بهره برداری از این منابع گردیده است. خلیج فارس به علت ساختار طبیعی و مرفولوژیکی خود فلات قاره یکپارچه ای را بوجود آورده است. از دیدگاه حقوق بین الملل، دریاها و از دیدگاه جغرافیائی، فلات قاره دارای دو تعریف مشخص می باشد. از لحاظ جغرافیائی، تمام خشکی های روی زمین توسط حاشیه ای در ژرفای کم زیر آب با پهنای متوسط حدود ۱۶۰ کیلومتر احاطه شده که شیب این حاشیه در ابتدا کم و به تدریج زیاد می شود تا جایی که شیب یکباره زیاد شده و به صورت سکو به کف دریا می پیوندد. لبه خارجی این سکو غالباً در ژرفای ۲۰۰ متر ظاهر می شود که به آن فلات قاره یا سگوی ساحلی می گویند. (میرحیدر، ۱۳۷۱، ص ۱۹۵). اما براساس ماده (۷۶) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین الملل دریاها، فلات قاره دولت ساحلی شامل بستر و زیربستر مناطق دریائی در ماوراء دریای سرزمینی است که تالاب بیرونی حاشیه قاره کشیده شده است. طبق این ماده چنانچه لبه بیرونی قاره گسترش چندانی نداشته باشد، تا ۲۰۰ مایل از خط مبدأ به عنوان فلات قاره دولت ساحلی در نظر گرفته می شود (سازمان ملل، ۱۹۸۳، ص ۲۷). بنابراین هم از لحاظ جغرافیائی و هم از لحاظ حقوق بین الملل دریاها، خلیج فارس به علت عمق کم و پهنای بین ۲۰۰ تا ۳۶۰ کیلومتر، به طور کلی بر روی یک فلات قاره قرار گرفته و لبه سکو در تنگه هرمز نمایان می گردد. در حال حاضر منابع کشف شده در فلات قاره خلیج فارس دارای ذخایر ارزشمندی است و احتمال افزایش این ذخایر با کشف منابع جدید بسیار است. توجه جدی به حوزه های انرژی در خلیج فارس و برنامه ریزی صحیح جهت بهره برداری از آنها امری حیاتی می باشد و اتخاذ این راهبرد در جهت و صیانت از منافع ملی ایران است.

خلیج فارس و رژیم حقوقی آن

نخستین باری که خلیج فارس از منظر حقوقی مورد بررسی قرار گرفت، در سال ۱۹۲۵ در کنفرانس تجارت اسلحه

در ژنو بود. کمیته ویژه حقوقدانان در پاسخ به سؤال کنفرانس در ارتباط با وضعیت جاری خلیج فارس از دیدگاه حقوق بین‌الملل اظهار داشته بود که: "خلیج فارس از نظر حقوق بین‌الملل یک دریای آزاد است" (کازمی، ۱۳۷۴، ص ۱). این پاسخ کاملاً در راستای خواست و منافع قدرتهای بزرگ بود. هدف آنها انجام فعالیت‌های اقتصادی - سیاسی و تجارت آزادانه در دریا بدون وجود موانع سیاسی و حقوقی بود. از سال ۱۹۲۵ تا پایان کنفرانس سوم حقوق بین‌الملل دریاهای در ۱۹۸۲ اگر چه تعابیر و مباحثی در خصوص رژیم حقوقی دریاهای نیمه بسته چون خلیج فارس مطرح گردید، اما هیچ یک از این مباحث رویه حقوقی و بین‌المللی به خود نگرفت؛ در حالیکه ضرورت‌های طبیعی، اکولوژیکی، اقتصادی و حتی استراتژیک لزوم چنین اقدامی را الزامی می‌ساخت. زیرا دریاهای بسته و نیمه بسته قسمت حاشیه‌ای و منزوی اقیانوس‌های مادر را تشکیل می‌دهند که از لحاظ ویژگی‌های طبیعی، اکولوژیکی، اقتصادی و استراتژیکی منحصر به فرد می‌باشند. طی اولین کنفرانس حقوق دریاهای در سال ۱۹۵۸ در ژنو، نماینده ایران در مورد رژیم حقوقی دریاهای بسته و نیمه بسته اظهار داشته بود که: «کنوانسیون‌های ژنو بیشتر به نفع دول حاشیه اقیانوس‌ها تنظیم شده، تا دول حاشیه دریاهای نیمه بسته». چند دولت دیگر نیز با ابراز نکاتی درباره دریاهای بسته و نیمه بسته استدلال کردند که وضعیت حقوقی این گونه مناطق با دریای آزاد تفاوت دارد (آقائی، ۱۳۶۷، ص ۲۷۱). تلاش کشورهایی چون ایران به علت موقعیت ویژه در آبراه‌های بین‌المللی و واقع شدن بر سواحل دریاهای بسته و نیمه بسته از یک سو و کشورهای دیگری چون عراق با موقعیت نامناسب جغرافیایی باعث گردید تا کنفرانس سوم حقوق دریاهای در خصوص دریاهای بسته و نیمه بسته ارزیابی جدید را در قالب تعریف حقوقی این گونه دریاهای ارائه نماید.

ماده (۱۲۲) کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق بین‌الملل دریاهای در این خصوص آورده است: «از لحاظ این کنوانسیون "دریای بسته و نیمه بسته" به معنای یک خلیج، حوزه رودخانه و یا دریائی است که به وسیله دو یا چند دولت احاطه و توسط یک معبر باریک به دریای دیگر یا اقیانوس مرتبط شده است که به طور کامل و یا به طور عمده شامل دریاهای سرزمینی و مناطق انحصاری اقتصادی دو یا چند دولت ساحلی است».

بدون شک این ماده قانونی نمی‌تواند منافع کلیه کشورهای هم کرانه در این گونه دریاهای را تأمین نماید و یا الزامی برای همگان ارائه نمی‌کند تا در قالب انجام وظیفه قانونی با همدیگر همکاری کنند.

ماده (۱۲۳) همین کنوانسیون در حد یک راهنمایی، تشویق به مشارکت و نصیحت است:

«ماده ۱۲۳ - دول کنوانسیون با همدیگر همکاری خواهند کرد. بدین منظور: به طور مستقیم یا از طریق سازمان منطقه‌ای مناسب تلاش خواهند کرد تا:

الف) مدیریت، حفظ، اکتشاف و بهره برداری منابع جاندار دریا را هماهنگ کنند.

ب) اجرای حقوق و تکالیف خود را در مورد حفظ و حراست از محیط زیست دریائی هماهنگ سازند.

پ) خط مشی‌های خود را در مورد انجام تحقیقات علمی هماهنگ کرده و در صورت اقتضاء در منطقه برنامه‌های مشترک علمی اجرا کنند.

ت) در صورت اقتضاء از سایر دولت‌های ذینفع یا سازمان‌های بین‌المللی دعوت به عمل آورند تا با آنها در پیشبرد اجرای مقررات این ماده همکاری کنند.

تکالیف مندرج در این ماده برای کشورهای ساحلی کاملاً داوطلبانه و غیر الزام آور است و بنابراین دولت‌ها وظیفه خاصی به لحاظ هماهنگی با یکدیگر ندارند و در عین حال حقوقی درباره کنترل کشتیرانی به آنها داده نشده است و

[بنابراین] رژیم خاصی از نظر حقوقی در خلیج فارس به عنوان یک دریای بسته یا نیمه بسته حاکم نیست (آقائی، همان، ص ۲۸۵). براساس حقوق دریاها منابع جاندار و غیر جاندار در خلیج فارس به کشورهای کرانه‌ای آن تعلق دارد ولی نواحی خارج از محدوده حاکمیت و صلاحیت ملی از نظر کشتیرانی در حکم دریای آزاد است.

فلات قاره خلیج فارس و اکتشاف انرژی

با انتشار اعلامیه ترومن رئیس‌جمهور آمریکا در تاریخ ۲۸ سپتامبر ۱۹۴۵ مبنی بر تعلق منابع طبیعی زیر بستر و بستر فلات قاره واقع در زیر آبهای دریای آزاد در مجاورت سواحل ایالات متحده به این کشور، کشورهای ساحلی برای حفظ منافع ملی خود اقداماتی را انجام دادند. در حالیکه برای مفهوم فلات قاره و تعیین محدوده آن، هنوز رژیم حقوقی بین‌المللی تدوین و تصویب نشده بود، کشورها در این زمینه اقدام به تصویب قوانین و وضع مقررات کرده بودند. در خصوص فلات قاره خلیج فارس دو نوع عملکرد وجود دارد. نوع ایرانی آن که بستر خلیج فارس را فلات قاره می‌داند و این موضوع در قوانین دریایی آن مشهود است؛ و دیگری عملکرد اعراب است. کشورهای عرب ساحلی از کاربرد مفهوم فلات قاره در اعلامیه‌های خود در خصوص قلمروهای دریائی شان در خلیج فارس امتناع کرده‌اند (رضوی، ۱۹۹۷، ص ۸۷). این کشورها معتقدند که بستر دریا براساس اصول عادلانه و توافق طرفین باید تقسیم گردد. مهمترین عاملی که زمینه اقدامات دو جانبه کشورهای حاشیه خلیج فارس در خصوص تحدید حدود فلات قاره را فراهم آورد، کشف منابع نفت و گاز بود.

در سال ۱۳۳۰ (۱۹۵۱) نخستین حوزه نفتی در نزدیکی سواحل عربستان سعودی کشف شد. پس از کشف این حوزه، عملیات اکتشاف و استخراج نفت در این دریا که به دلیل عمق اندک آبهای آن به راحتی انجام می‌پذیرد به طور بی‌سابقه‌ای افزایش یافت (ممتاز، ۱۳۶۹، ص ۵۶۹). دولت ایران ده سال بعد از صدور اعلامیه ترومن اقدام به وضع و تصویب «قانون راجع به اکتشاف و بهره‌برداری منابع طبیعی فلات قاره ایران» در تاریخ ۲۸ خرداد ۱۳۳۴ (ژوئن ۱۹۵۵) کرد. این قانون دارای پنج ماده بود و در ماده اول آن صرفاً به معنای لغوی فلات قاره در زبان انگلیسی و فرانسه اشاره شده بود. ماده دوم این قانون ناظر بر حاکمیت ایران بر مناطق و همچنین منابع طبیعی کف و زیر کف دریا تا حدود فلات قاره در سواحل ایران و سواحل جزایر ایران در خلیج فارس و بحر عمان بود.

در مرداد ماه ۱۳۳۶ پس از یک مطالعه وسیع و کارشناسانه، قانونی از مجلسین ایران گذشت که به قانون نفت مشهور گردید. این قانون اصول سیاست نفتی ایران را اعلام می‌داشت. براساس این قانون، شرکت ملی نفت ایران مأمور و مجاز گردید تا به منظور تسریع در توسعه عملیات تفحص و اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور و فلات قاره و همچنین به منظور توسعه سریع عملیات تصفیه و حمل و نقل و فروش کلیه نفتی که از این مناطق بدست می‌آید، بر طبق اصول مندرج در همان قانون اقدامات لازم بعمل آورد (تاجبخش، ۱۳۴۱، ص ۱۰).

پس از تصویب قانون نفت، زمینه بهره‌برداری از منابع فلات قاره ایران در خلیج فارس فراهم گردید. در سال ۱۳۳۶ اولین قرارداد بهره‌برداری از منابع نفت فلات قاره با یک شرکت ایتالیائی به نام «آجیپ مینراریا» منعقد شد که محدوده فعالیت آن به مساحت تقریبی ۵۶۰۰ کیلومترمربع در شمال خلیج فارس واقع بود. محدوده عملیات این شرکت به محدوده «سیریپ» نیز معروف است.

قرارداد دوم قراردادی بود که با یک شرکت آمریکائی به نام پان امریکن - از شرکت‌های تابعه استاندارد اوایل

ایندیانا - در اردیبهشت سال ۱۳۳۷، امضاء شد. حوزه عملیات شرکت پان امریکن که به «ایپاک» هم مشهور بود، منطقه‌ای به وسعت ۱۶۰۰۰ کیلومتر مربع شامل دو ناحیه از بخش اول فلات قاره ایران در دو طرف حوزه عملیات آجیب (سیریپ) واقع شده بود. تلاش شرکت آجیب (سیریپ) در حوزه عملیاتی خود در سال ۱۳۳۹ به ثمر نشست و میدان نفتی «بهرگانسر» به عنوان اولین میدان نفتی ایران در خلیج فارس مورد بهره‌برداری قرار گرفت. در سال ۱۹۶۳ ایران دو بخش از فلات قاره خود را برای بهره‌برداری به مزایده گذاشت.

عربستان سعودی به این اقدام دولت ایران اعتراض کرد و ادعا نمود که هم محدوده عملیاتی ایپاک که در سال ۱۹۵۸ شروع شده و هم ناحیه دوم از بخش یک مزایده فعلی ایران، تجاوز به حقوق و مالکیت عربستان سعودی است و این منطقه با ناحیه مورد عملیات کمپانی نفتی عربی آمریکایی (آرامکو) که در سال ۱۹۴۸ واگذار گردیده، همپوشی دارد و همچنین وارد محدوده مورد توافق شرکت نفت عربی (AOC) در منطقه بی طرف بین عربستان سعودی و کویت شده است (رضوی، همان، ص ۱۲۸). این امر در مقطعی از زمان مطرح شد که هنوز کشور عربستان سعودی حد قطعی قلمرو تحت حاکمیت خود را تعیین نکرده بود؛ ولی ایران در قراردادهای ایپاک و سیریپ این مسئله را در نظر گرفته بود. طرح ادعاهای قلمروئی، بدون توجه به منافع دیگران، از سوی برخی کشورها مانند عراق باعث گردید تا نمایندگان چهار کشور شمال خلیج فارس: ایران، عراق، کویت و عربستان سعودی در نوامبر ۱۹۶۳ طی نشست چهار جانبه در ژنو، تمایل و علاقمندی خود را جهت حل مسائل مورد اختلاف ابراز نمایند.

ژئوپولیتیک انرژی و شکل‌گیری مرزهای دریائی ایران در خلیج فارس

طی مذاکرات ایران و انگلیس در سال ۱۹۶۵ خط منصف خلیج فارس به عنوان اصلی برای تقسیم فلات قاره میان ایران و همسایگان عربش در دریا تعیین شد (مجتهدزاده، ۱۳۸۰، ص ۸۵). بر همین اساس، توافقات بعدی جهت افراز فلات قاره و ترسیم مرز دریائی در خلیج فارس صورت پذیرفت. بنابراین به صورت دو فاکتور^(۱) بر اساس اصل نصفت، مرز دریائی ایران با همسایگان عرب ترسیم گردید که همان خط میانه خلیج فارس می‌باشد. اما به صورت دوزور^(۲)، ترسیم مرز دریائی ایران و کشورهای عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس از سال ۱۹۶۸ شروع گردید. در این سال، پس از سه سال مذاکره ایران و عربستان سعودی بر سر ترسیم مرز دریائی، دو کشور به توافق رسیدند که این مرز اولین مرز دریائی ایران در خلیج فارس می‌باشد. عوامل چندی در تعیین مرز دریائی ایران و عربستان سعودی دخیل بود: از جمله وجود حوزه نفتی فریدون - مرجان با ذخیره قابل توجه نفت که ایران و عربستان سعودی هر دو بر آن ادعای مالکیت داشتند. این حوزه نفتی در میانه دریا واقع شده بود و بر اساس محاسبات طرف عربستانی، تماماً در قلمرو آبی این کشور قرار می‌گرفت. در مذاکرات دو طرف، نحوه احتساب عرض دریای سرزمینی بر اساس خط مبدائی که از جزیره خارک می‌گذشت، منجر به اختلاف شدیدی بین دو کشور شد. ایران بر این عقیده بود که خط پست‌ترین جزر این جزیره باید مبنای ترسیم خط میانه قرار گیرد. در نهایت، طرفین توافق کردند که در مورد جزیره خارک قاعده «احتساب به صورت منصفه» اعمال شود. بدین ترتیب خط جداکننده قراردادی، خط میانه‌ای است که بین خط مورد نظر ایران یعنی خط میانه بین جزیره خارک و عربستان سعودی و خط پیشنهادی عربستان سعودی که خط میانه بین ایران و عربستان سعودی بدون در نظر گرفتن جزیره بود، ترسیم شود (ممتاز، همان، ص ۵۷۱). استفاده از این تکنیک باعث گردید تا حوزه نفتی

فروزان (فریدون) و مرجان به طور مساوی بین دو طرف تقسیم شود.

با توافق ایران و عربستان سعودی در تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۶۸ قرارداد مرز دریایی دو کشور به امضاء رسید و از تاریخ ۲۹ ژانویه ۱۹۶۹ پس از مبادله اسناد، رسمیت یافت. به دنبال توافق ایران و عربستان سعودی، ایران و امیرنشین قطر برای تحدید حدود فلات قاره دو کشور در خلیج فارس وارد مذاکره شدند و در تاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۹۶۹ توافقنامه‌ای در این باره امضاء کردند که از تاریخ ۱۰ مه ۱۹۷۰ رسمیت یافت. و به دنبال استقلال بحرین در سال ۱۹۷۱ توافقنامه مرز دریایی ایران و این کشور به امضاء رسید. در سال ۱۹۷۴ ایران و عمان بخشی از مرز دریایی خود را در تنگه هرمز مشخص کردند. مرز دریایی ایران و کویت در این میان سرگذشتی پیچیده تر دارد. مقامات ایران و کویت نخستین بار طرح مقدماتی مربوط به فلات قاره را در تاریخ نوزدهم خرداد ماه ۱۳۴۴ امضاء کردند و مذاکرات هیأت‌های دو کشور از مهرماه همان سال شروع شد. پس از چندین دوره مذاکره طی سالهای دههٔ چهل، نهایتاً در سال ۱۳۴۹ طرح موافقتنامه‌ای بین طرفین به نتیجه رسید ولیکن به انجام نرسید. در این توافقنامه تصریح شده است که در تحدید حدود فلات قاره ایران و کویت، صد در صد اثر جزیره خارک و ارتفاعات جزری «رأس فشت المواء» در قسمت ایران و صد در صد اثر جزایر فیلکه و ارتفاعات جزری «رأس الیاحی» در کشور کویت ملاک ترسیم خط مرزی فلات قاره قرار گیرد مشروط بر آنکه اثر صد در صد جزیره خارک همه جا از جمله در تمام منطقه بی طرف (بین کویت و عربستان) نیز مورد توجه قرار گیرد (امور بین الملل وزارت نفت، ۱۳۷۶، ص ۳). دو عامل اساسی شکست مذاکرات طی سالهای دهه ۱۳۴۰ احتراز کویت از پذیرش منطقه بی طرف به عنوان بخشی از منطقه مورد مذاکره و دیگر اعتراض‌های رژیم عراق بود. وزارت امور خارجه عراق متعاقب صدور اعلامیه مشترک ایران و کویت در ۱۳ ژانویه ۱۹۶۸ اعلامیه‌ای در مورد حاکمیت و حقوق آن کشور در منطقه واقع میان دریای سرزمینی و فلات قاره آن کشور با کشورهای همسایه انتشار داد که در آن گفته شده بود: «عراق حاکمیت کامل خود را بر دریای سرزمینی عراق و فضای بالای آن، فلات قاره و بستر آن حفظ می‌کند» (جعفری ولدانی، ۱۳۷۱، ص ۳۱۹). این رژیم به علت جغرافیای سیاسی دشوار خود در خلیج فارس، ضمن پرهیز از هر گونه گفتگو در خصوص مرز دریایی، بارها به انجام مذاکرات ایران و کویت اعتراض کرده است.

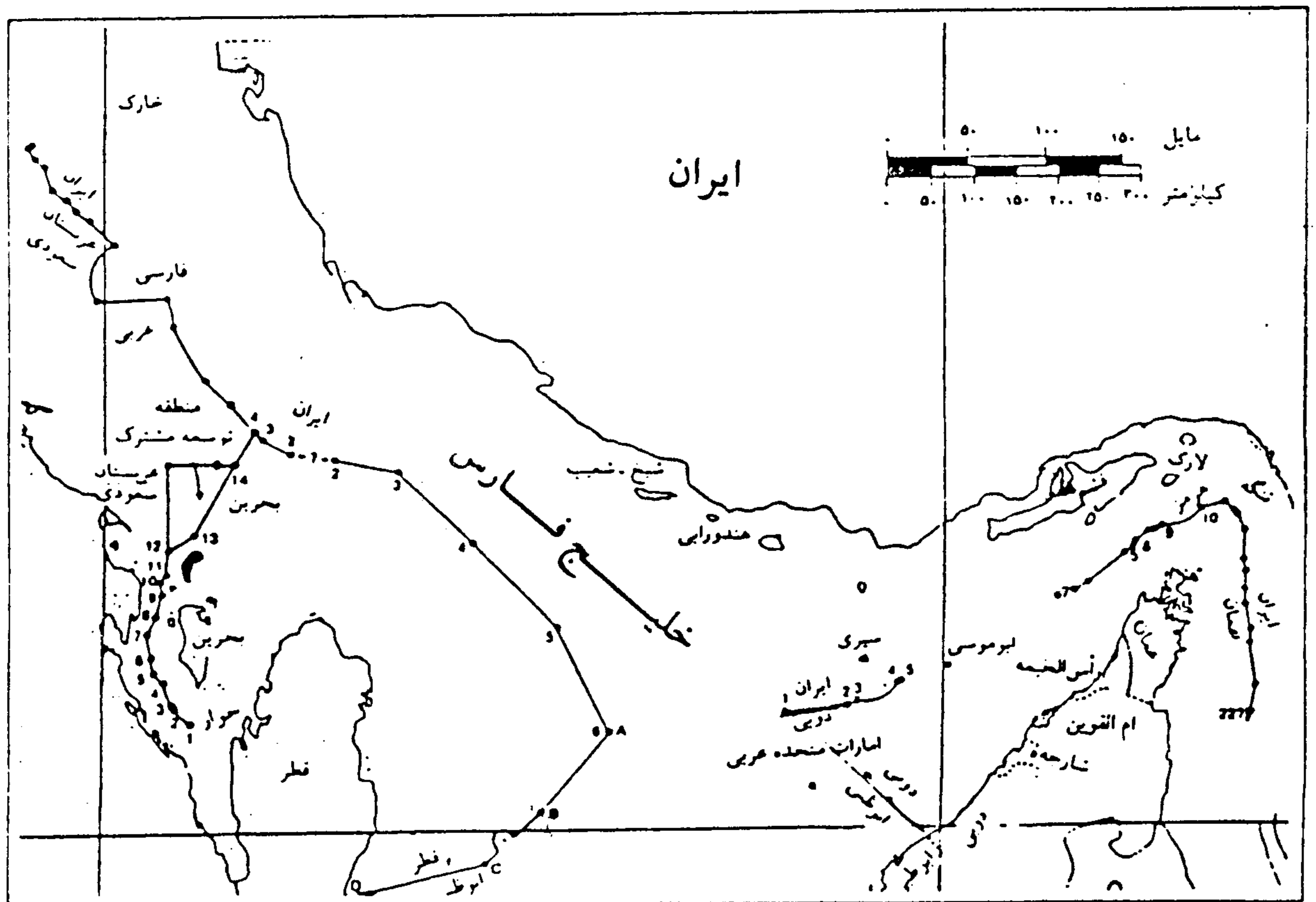
امروزه تعیین مرز دریایی ایران و کویت جنبه حساس ژئوپولیتیک انرژی را به خود گرفته است. در سال ۱۹۶۷ (۱۳۴۶) کویت یک میدان گازی با ذخیره قابل توجه گاز را کشف کرد که دولت ایران به علت واقع شدن این میدان در محدوده مورد مذاکره، جهت تحدید حدود مرز دریایی بر آن ادعای مالکیت داشته است. این میدان که در کشور ما به عنوان حوزه آرش و در کویت آنرا به نام «الدوره» می‌شناسند، دارای ذخیره گازی حدود ۱۳ تریلیون فوت مکعب (۳۶۸ میلیارد متر مکعب) می‌باشد (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹). این میدان گازی توان تولید روزانه ۱۸ تا ۴۵ میلیون متر مکعب گاز را دارد. در پی انجام حفاری از سوی شرکت نفت فلات قاره ایران در چاه نفتی آرش در اردیبهشت ۱۳۷۹ عربستان و کویت به این اقدام ایران اعتراض کردند و در پی این اعتراض، شرکت نفت فلات قاره تا زمان تعیین وضعیت نهایی این حوزه از ادامه حفاری خودداری کرد. پس از این واقعه، دیپلماسی دو کشور جهت حل مسائل موجود در خصوص قلمروهای دریایی دو کشور از آذرماه ۱۳۷۹ فعال گردید که هم اکنون هم مذاکرات ادامه دارد.

حد دریایی ایران و فدراسیون امارات متحده عربی بر پایه مذاکرات و توافق ایران و بریتانیا که در آن سالها براساس قرارداد ۱۸۲۰ با امارات متصالحه مشول و مجری سیاست‌های خارجی این امارت بود، طبق خط میانه خلیج فارس تعیین گردید؛ اما در عین حال ابوظبی و دوبی دو عضو امارت‌های هفت گانه فدراسیون، برای تحدید حدود فلات قاره و مرز دریایی با ایران مذاکره کردند. مذاکرات ایران و امارت ابوظبی از تابستان ۱۳۵۰ (۱۹۷۱) شروع گردید و پس از مدتها مذاکره طرح پنج ماده‌ای تعیین مناطق فلات قاره دو کشور در تاریخ ۷ سپتامبر ۱۹۷۱ (۱۶)

شهریور ماه ۱۳۵۰) قبل از اعلام تشکیل رسمی امارات متحده عربی به امضاء مقدماتی (پاراف) نمایندگان دو طرف رسید، ولی امضاء و طی مراحل تصویب آن به چند دلیل (از جمله مغایرت شکلی با قانون اساسی امارات متحده عربی و نیز اختلاف ابوظبی با عربستان سعودی) انجام نشد. طی سالهای بعد طرفین جهت نهایی کردن توافق، اقداماتی انجام دادند ولی نتیجه بخش نبود. یکی از روزنامه‌ها در آن زمان نوشت: «موافقتنامه تعیین مرزهای فلات قاره‌ای ایران و ابوظبی آماده امضاست ولی هیچ تاریخی برای امضاء آن مشخص نشده است. این ششمین موافقتنامه‌ای است که ایران با کشورهای منطقه خلیج فارس امضاء می‌کند. باید مدتها قبل این توافقنامه با ابوظبی امضاء می‌شد. اما اختلافات ابوظبی با عربستان سعودی بر سر واحه نفت خیز بوریمی مانع امضای آن شده است» (اطلاعات، ص ۴).

مذاکرات ایران و امارات دومی جهت تمدید حدود فلات قاره و ترسیم مرز دریائی به زمان قبل از استقلال فدراسیون در سال ۱۹۷۱ باز می‌گردد. پس از اعلام استقلال فدراسیون، مقامات امارت دومی تمایل خود را جهت پیگیری موضوع تارسیدن به نتیجه مطلوب اعلام کردند. بنابراین، مذاکرات دو طرف ادامه یافت و در نهایت در تاریخ ۲۲ مرداد ماه ۱۳۵۳ (۱۳ اوت ۱۹۷۴) موافقتنامه تحدید حدود فلات قاره ایران و دومی مشتمل بر یک مقدمه و پنج ماده به امضای وزیر خارجه وقت ایران و وزیر دفاع امارات متحده عربی رسید. مجلس شورای ملی ایران در ۲۴ اسفند ماه ۱۳۵۳ این موافقتنامه را تصویب کرد؛ ولی امارات متحده عربی تاکنون آن را به تصویب نرسانده است. ماده پنجم این موافقتنامه تصریح دارد که طرفین باید نسبت به تصویب آن اقدام و اسناد آن بلافاصله مبادله گردد (رضوی، همان، ص ۱۵۷).

مرزهای دریایی تعیین شده در خلیج فارس



فلات قاره: چشم انداز نوین بهره‌برداری از منابع انرژی

از زمان شروع عملیات بهره‌برداری از منابع فلات قاره ایران در سال ۱۳۳۶ تا کنون نزدیک به نیم قرن می‌گذرد. طی ۴۵ سال فعالیت، تولید نفت از فلات قاره دچار فراز و فرودهایی بوده است. در حال حاضر ۲۸ میدان نفت و گاز در مناطق دریائی ایران در خلیج فارس کشف شده که از مجموع ۲۸ میدان انرژی کشف شده، ۲۲ میدان مربوط به نفت و ۶ میدان مربوط به گاز می‌باشد. فعالیت بهره‌برداری از منابع انرژی خلیج فارس در چهار منطقه بهرگان، دورود، لاوان و سیری متمرکز شده است.

۱- منطقه بهرگان: این منطقه قدیمی‌ترین منطقه عملیاتی شرکت نفت فلات قاره می‌باشد و در شمال خلیج فارس و بر کرانه دریا بین بنادر گناوه و دیلم واقع است. نفت خام استخراجی سه میدان نفتی هندیجان، بهرگانسر و نوروز توسط خطوط لوله زیر دریا به تصفیه‌خانه بهرگان انتقال و برای صدور و یا پالایش آماده می‌شود.

۲- منطقه خارک: منطقه خارک جزء بزرگترین مراکز صدور نفت ایران می‌باشد که در طول جنگ تحمیلی بارها مورد حمله هواپیماهای عراق قرار گرفت؛ ولی پس از پایان جنگ تحمیلی بازسازی آن آغاز شد و روند صدور نفت دوباره ادامه یافت. این منطقه حوزه‌های بزرگ نفت خلیج فارس را شامل می‌شود که عبارتند از: درود، ابوذر، سروش، اسفندیار و فروزان. حوزه نفتی درود خود از بزرگترین میادین نفتی خلیج فارس با «نفت در جا» به میزان ۷/۶ میلیارد بشکه می‌باشد (مشعل، ۱۳۸۰، ص ۶).

۳- منطقه لاوان: منطقه لاوان به مرکزیت جزیره لاوان از مناطق مهم عملیاتی شرکت نفت فلات قاره است. این منطقه بر عملیات استخراج و انتقال نفت خام از میادین نفتی هامان، بلال، رشادت، سلمان و آلفا نظارت عالیه دارد. سه رشته خط لوله زیر دریا، نفت استخراجی این میادین را برای تصفیه و پالایش به جزیره لاوان منتقل می‌کند.

۴- منطقه سیری: منطقه سیری چهارمین منطقه عملیاتی شرکت نفت فلات قاره می‌باشد. میادین نفتی اسفند، نصرت، سیوند، دنا، فرزام و الوند تحت نظارت این منطقه به امر استخراج نفت خام مشغولند و نفت استخراج شده توسط خطوط لوله و کشتی نفت کش به مخازن موجود در جزیره سیری منتقل می‌گردد (شرکت ملی نفت ایران، ۱۳۸۰، ص ۴۰).

مجموع تولید روزانه نفت خام توسط چهار منطقه عملیاتی شرکت نفت فلات قاره در سال ۱۳۷۹ بالغ بر ۶۲۰ هزار بشکه در روز بود که در سال ۱۳۸۰ به ۷۰۰ هزار بشکه در روز رسید. براساس سرمایه‌گذاری صورت گرفته و برنامه‌های تنظیمی تا پایان برنامه دوم (۱۳۸۳) میزان تولید نفت از فلات قاره به بیش از ۱/۱ میلیون بشکه در روز خواهد رسید (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹) که در صورت حفظ سقف کنونی صادرات در سال ۱۳۸۳ در حدود یک سوم نفت صادراتی ایران، نفت استخراجی از فلات قاره خواهد بود.

میادین مشترک انرژی و استراتژی حفظ منافع ملی

جداول زیر نشان دهنده میادین مشترک نفت و گاز ایران در خلیج فارس می‌باشد.

جدول ۱- میادین نفتی مشترک با کشورهای همسایه در خلیج فارس، میلیون بشکه

| میزان | کشور همسایه | نفت خام در جا ^(۱) | ذخیره کل ^(۲) | پیش‌بینی تولید در برنامه پنج ساله سوم (هزار بشکه در روز) |
|-----------------|-------------|------------------------------|-------------------------|--|
| فروزان (فریدون) | عربستان | ۲۳۰۹ | ۷۲۹/۱ | ۵۲ |
| اسفندیار | عربستان | ۵۳۲ | ۱۶۹/۷ | ۲۰ |
| سلمان (ساسان) | ابوظبی | ۴۰۷۳ | ۱۵۲۵/۲۰ | ۱۱۶ |
| مبارک | شارجه | ۱۲۸ | ۴۶ | ۰ |
| نصرت | دوبی | ۱۸۸ | ۷۱ | ۲۳ |

جدول ۲- میادین گازی مشترک با کشورهای همسایه خلیج فارس (میلیارد مترمکعب)

| میدان | کشور همسایه | گاز موجود در جای اولیه | ذخیره نهایی گاز | پتانسیل تولید در پایان برنامه پنج ساله سوم (میلیون مترمکعب در روز) |
|--------------|-------------|------------------------|-----------------|--|
| پارس جنوبی | قطر | ۱۳۱۳۰ | ۸۵۲۳/۳ | ۲۲۶/۵ |
| هنگام سامان | عمان | ۲۲/۴ | ۱۴/۸ | ۱/۱۳ |
| سازند دهرم | ابوظبی | ۱۸۳/۵ | ۱۴۸/۴ | ۱۴/۲ |
| سازند یاساها | شارجه | ۱۴/۶ | ۳/۲۴ | ۰ |

(نفت، گاز، پتروشیمی ۱۳۸۰)

اولین میدان نفتی مشترک ایران در خلیج فارس، میدان نفتی فروزان - مرجان است که با امضاء توافقنامه مرز فلات قاره‌ای ایران و عربستان سعودی در سال ۱۳۷۴ (۱۹۶۸) به دو بخش تقسیم شد. میدان فروزان توسط خط لوله زیر دریا به طول ۹۹/۷ کیلومتر به تصفیه خانه خارک متصل می‌شود. در حال حاضر میزان برداشت شرکت نفت فلات قاره از این میدان روزانه ۴۲ هزار بشکه نفت خالص می‌باشد (جدول شماره ۱). در حالیکه طبق اخبار مندرج در نشریات نفتی، عربستان از سال ۱۹۹۴ (۱۳۷۳) تولید نفت نیمه سنگین خود را از ۷۰ هزار بشکه در روز به سطح ۶۰۰ هزار بشکه در روز افزایش داده است (وزارت نفت، ۱۳۷۵). در نتیجه این اقدام عربستان سعودی، نفت موجود در میدان فروزان در حال مهاجرت به سمت میدان مرجان عربستان است. از آنجا که عربستان سعودی طی سالهای اخیر به درخواست ایران

۱- نفت خام یا گاز موجود در جای اولیه عبارتست از: حجم نفت و گاز اولیه در جای اولیه و در شرایط مخزن قبل از برداشت.
 ۲- ذخیره کل یا ذخیره نهایی مخزن، میزان نفت یا گاز قابل استحصال می‌باشد. در واقع درصدی است از حجم نفت در جای اولیه.

جهت تبادل اطلاعات فنی این حوزه مشترک پاسخ مثبت نداد؛ شرکت نفت قاره رأساً تصمیم به افزایش تولید از این میدان گرفت. در حال حاضر شرکت پترو ایران با همکاری شرکت BHP استرالیا در حال مطالعه راههای توسعه این میدان می باشد و قرار است با افزایش حدود ۷۵ هزار بشکه، تولید این میدان به ۱۱۰ هزار بشکه در روز افزایش پیدا کند.

از حوزه های مهم مشترک ایران در خلیج فارس میدان گازی پارس جنوبی است که با میدان گازی کشور قطر مشترک می باشد. میدان گازی پارس جنوبی که در سال ۱۳۵۰ کشف شد، در یکصد کیلومتری جنوب غربی بندر عسلویه در خلیج فارس واقع است و ۹۷۰۰ کیلومتر مربع وسعت دارد. ۳۷۰۰ کیلومتر مربع از مساحت آن در آبهای ایران و ۶۰۰۰ کیلومتر مربع آن در آبهای قطر قرار دارد. برآوردهای اخیر نشان می دهد که ذخیره میدان گازی پارس جنوبی در بخش ایرانی حدود ۱۳/۱۳۰ تریلیون مترمکعب است که ۸ درصد کل ذخایر گاز جهان و بالغ بر ۴۰ درصد ذخایر گاز ایران را در خود جای داده است (نفت، گاز، پتروشیمی، ۱۳۷۹، ص ۲۷). اواخر سال گذشته اعلام گردید که کشور قطر با جذب سرمایه گذاریهای خارجی تلاش می کند تا تولید گاز خود را به سه برابر افزایش دهد و آنرا به ۳۰ میلیون تن در سال برساند (همشهری، ص ۹). این کشور برای حضور در بازار شرق تلاش می کند و بر همین اساس سعی دارد که از طریق امارات متحده عربی به پاکستان و از آنجا به هندوستان و شرق آسیا گاز صادر نماید.

تلاش ایران جهت بهره برداری از میدان گازی پارس جنوبی با تأخیر زیاد و با امضاء برنامه مرحله اول توسعه در سال ۱۳۷۳ آغاز شد؛ ولی با امضاء مراحل دوم تا هشتم برنامه گسترش پارس جنوبی، کوشش برای بهره برداری از این میدان از مهرماه ۱۳۷۶ سرعت گرفت و مراحل بعدی توسعه در حال برنامه ریزی می باشد. تا کنون توسعه میدان گازی پارس جنوبی ۷۷/۴ درصد از سرمایه گذاریهای انجام شده برای توسعه میادین نفت و گاز کشور را جذب کرده است (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۳۷۹).

میدان های سلمان، فرزام، نصرت و مبارک از جمله دیگر میادین مشترک ایران در خلیج فارس می باشند. این میادین، میدانهای مشترک ایران و فدراسیون امارات متحده عربی مشترک هستند. میدان نفت و گاز سلمان (ساسان سابق) بین ایران و امارات ابوظبی واقع است که ۷۵ درصد آن در آبهای ایران و ۲۵ درصد بقیه در آبهای ابوظبی قرار دارد و ابوالبخوش نامیده می شود. در حال حاضر ابوظبی از مخزن گازی دالان کنگان/خوف در میدان سلمان نفت تولید می کند و کلیه چاره جوئی های انجام شده در خصوص بهره برداری مشترک از مخزن گازی دالان کنگان بی نتیجه مانده است (وزارت نفت، ۱۳۷۵). نفت استخراج شده از میدان سلمان توسط خط لوله ای به طول ۱۴۱/۶ کیلومتر از طریق بستر دریا به جزیره لاوان منتقل می گردد.

اخیراً برای افزایش بهره برداری از این میدان با استفاده از تسهیلات بیع متقابل، قرارداد توسعه میدان مشترک نفت و گاز سلمان بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت پترو ایران منعقد گردیده است که هدف از آن، افزایش تولید روزانه نفت خام میدان از ۸۵ هزار بشکه به ۱۳۰ هزار بشکه و تولید گاز به میزان ۱۴ میلیون مترمکعب در روز در پایان ۴ سال مدت اجرای پروژه می باشد (امور بین الملل وزارت نفت، ۱۳۸۰).

میدان های نفتی نصرت و فرزام، میادین مشترک ایران و دبی از فدراسیون امارات متحده عربی می باشد. در حال حاضر میزان برداشت ایران از میدان نصرت (فاتح) ۵ هزار بشکه در روز است که کمتر از برداشت دبی می باشد؛ در نتیجه نفت ایران در حال مهاجرت به سمت دبی است. اخیراً شرکت ملی نفت ایران جهت افزایش تولید به میزان ۲۵۰ تا ۳۰۰ هزار بشکه با طرف دبی مذاکره کرد که شرکت نفت دبی از این مسئله طفره رفت (همان).

در میدان نفتی فرزام نیز به علت برداشت بیشتر نفت توسط دبی، نفت ایران در حال مهاجرت به سمت دبی می‌باشد. در سال ۱۳۷۹ برنامه‌های مطالعاتی و حفاری به منظور بهینه‌سازی توسعه، افزایش تولید و اجتناب از ادامه مهاجرت نفت به سمت دبی، قرارداد توسعه میادین نفتی نصرت و فرزام در تاریخ بیست و هشتم اردیبهشت ماه ۱۳۷۹ بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت توسعه پترو ایران به امضاء رسید. طبق قرارداد منعقد، افزایش ظرفیت تولید نفت میدان نصرت از ۵ هزار بشکه در روز تولید فعلی، به حدود ۱۶۵۰۰ بشکه در روز و همچنین تولید نفت در میدان فرزام به میزان حداکثر ۱۵ هزار بشکه در روز می‌باشد. (روابط عمومی وزارت نفت، ۱۳۷۹، ص ۱۳۵). میدان نفتی مبارک، میدان مشترک ایران و امارات شارجه می‌باشد. این میدان در داخل دریای سرزمینی جزیره ابوموسی که بر اساس مناطق دریایی ایران مصوب ۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی ۱۲ مایل می‌باشد، واقع است.

قبل از اعاده حاکمیت مجدد ایران بر جزایر سه گانه، حاکم شارجه امتیاز استخراج نفت از این میدان را در سال ۱۹۶۹ به گروه نفتی بیوتس واگذار کرده بود. پس از احیای حاکمیت مجدد ایران بر جزیره ابوموسی در دسامبر ۱۹۷۱ (آذر ماه ۱۳۵۰)، ایران با این تفاهم که سود حاصله از استخراج باید به طور مساوی میان ایران و شارجه تقسیم شود، آنرا مورد تأیید قرار داد (مجتهدزاده، ۱۳۸۰، ص ۲۰۹).

نتیجه‌گیری

در حال حاضر مرزهای دریایی ایران با کشورهای عربستان سعودی، قطر، بحرین، و عمان در خلیج فارس تعیین و تصویب گردیده، ولی با سه کشور عراق، کویت و امارات متحده عربی تحدید نگردیده است. امر مسلم آنکه، با پیشرفت فن آوری و امکانات و تجهیزات اکتشاف، ذخایر تازه‌ای از منابع نفت و گاز در خلیج فارس کشف خواهد گردید که به احتمال قوی بخشی از منابع جدید، میادین مشترک خواهد بود. سیاست کنونی کشورهای کرانه‌ای، تمرکز اقدامات و برنامه‌ها در جهت بهره برداری از منابع فلات قاره می‌باشد. بنابراین بنظر می‌رسد که در تعقیب منافع ملی و صیانت از قلمرو دریایی کشورمان، تحدید حدود فلات قاره در گام نخست امری اجتناب‌ناپذیر است و در این خصوص باید دیپلماسی کشورمان فعال‌تر عمل نماید.

عملکرد وزارت نفت و شرکت‌های تابعه در بهره برداری از منابع انرژی فلات قاره بخصوص در میادین مشترک طی سالهای گذشته مطلوب نبوده، ولی در سالهای اخیر اقدامات مثبتی در این زمینه شروع گردیده که امید می‌رود با به نتیجه رسیدن آنها، استراتژی تعقیب و حفظ منافع ملی کشورمان انسجام عملی به خود بگیرد. در این خصوص به ویژه میادین با حجم بالای انرژی، جایگاه ویژه‌ای دارند. حدود ۴۰ درصد از مخازن گازی ایران در خلیج فارس و در میدان گازی پارس جنوبی واقع است. با توجه به این امر که کشورمان مقام دوم جهان را در زمینه ذخایر گازی داراست و بالحاظ نمودن این امر که طبق پیش‌بینی‌های صورت گرفته، طی دهه‌های آینده بازارهای جهانی گاز اشباع خواهد شد؛ بنابراین جهت بدست آوردن بازارهای فروش در خور منابع موجود و همچنین حفظ و بهره برداری از منابع مشترک به ویژه در پارس جنوبی، اقدامات اساسی و قوی امری است حتمی.

منابع و مآخذ

- ۱- آقایی، بهمن، ۱۳۶۷، بررسی آثار حقوقی خلیج فارس به عنوان دریای نیمه بسته، سیاست خارجی، شماره ۲.
- ۲- امور بین الملل وزارت نفت، ۱۳۷۵، گزارش آخرین وضعیت موجود نفتی با کشورهای همسایه در خلیج فارس.
- ۳- امور بین الملل وزارت نفت، ۱۳۷۶، تحدید حدود فلات قاره ایران و کشورهای حاشیه خلیج فارس و دریای خزر.
- ۴- تاجبخش، غلامرضا، فلات قاره ایران در خلیج فارس، سمینار خلیج فارس سی ام مهرماه ۱۳۴۱، باشگاه افسران.
- ۵- جعفری ولدانی، اصغر، ۱۳۷۱، کانون های بحران در خلیج فارس، انتشارات کیهان.
- ۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، سیزدهم تیر ماه ۱۳۷۹.
- ۷- خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۸ شهریور ماه ۱۳۷۹.
- ۸- خبرگزاری جمهوری اسلامی، پانزدهم بهمن ماه ۱۳۷۹.
- ۹- روزنامه اطلاعات، دوشنبه ۴ شهریور ماه ۱۳۵۴.
- ۱۰- روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره، ۱۳۸۰، معرفی شرکت نفت فلات قاره ایران.
- ۱۱- روزنامه همشهری، سه شنبه ۴ دیماه ۱۳۸۰.
- ۱۲- روابط عمومی وزارت نفت، ۱۳۷۹، کالبد شکافی سرمایه گذاری های صنعت نفت (قراردادهای بیع متقابل)، انتشارات کویر.
- ۱۳- کاظمی، سیدعلی اصغر، ۱۳۷۴، ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۱۴- مجتهدزاد، پیروز، ۱۳۸۰، امنیت و مسایل سرزمینی در خلیج فارس، ترجمه امیرمسعود اجتهادی، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی.
- ۱۵- مشعل، نیمه دوم ۱۳۸۰، شماره ۲۰۷.
- ۱۶- ممتاز، جمشید، ۱۳۶۹، تحدید حدود فلات قاره خلیج فارس، سیاست خارجی، شماره ۴.
- ۱۷- میرحیدر (مهاجرانی)، دره، ۱۳۶۶، ژئوپولیتیک تنگه هرمز و خلیج فارس، سیاست خارجی، شماره ۱.
- ۱۸- میرحیدر (مهاجرانی)، دره، ۱۳۶۹، اهمیت ژئوپولیتیکی خلیج فارس، سیاست خارجی شماره ۱ و ۲.
- ۱۹- میرحیدر (مهاجرانی)، دره، ۱۳۷۱، مبانی جغرافیای سیاسی، انتشارات سمت.
- ۲۰- نفت، گاز، پتروشیمی، شماره ۶، ۱۵ بهمن ماه ۱۳۷۹.
- ۲۱- نفت، گاز، پتروشیمی، شماره ۸، خرداد ۱۳۸۰.
- 22- Razavi, Ahmad, 1997, Continental Shelf Delimitation and Related Maritime Issues in the Persian Gulf. Martinus Nijhoff publication London.
- 23- United Nation, 1983, The Law of the Sea Convention, New York.
- 24- United States Energy Information Administration- MARCH 2002.